



# شورای مسأله‌کاوی

شقایق بهرامی

وقتی در مواجهه با یک مسئله دو یا چند راه به نظر تان می‌رسد که هر کدام مزایا و معایبی دارند و هیچ‌کدام راضی‌تان نمی‌کند، زمان مناسبی برای کمک گرفتن از همکاران، با استفاده از چارچوب مشورت، است. هدف از این چارچوب آن است که معلم ارائه‌دهنده، همراه با معلمان دیگر، به مسئله‌ای پیچیده، مرتبط با کلاس یا زندگی حرفه‌ای، عمیق‌تر فکر کند.

برای درک بهتر مراحل گفت‌وگو، متن حاضر با نمونه‌هایی از گفت‌وگوهای جلسه‌ای که در تاریخ ۱۷ اسفند ۹۵ در یک مدرسه دخترانه برگزار شد، همراه شده است. در این جلسه، هشت نفر از نیروهای آموزشی شامل معلم، معاون، مدیر، و معاون پرورشی حضور داشتند. بارهای اولی که از چارچوب‌های گفت‌وگو استفاده می‌کنید، بد نیست مراحل را روی کاغذ چاپ کنید و در اختیار گروه قرار دهید.

## آغاز (۳ تا ۵ دقیقه)

- گرداننده جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور و ارائه‌دهنده را معرفی می‌کند و مطمئن می‌شود مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.
- گرداننده جلسه برای شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهد برای برگزاری بهتر جلسه ناچار است هر مرحله را در زمان مشخص شده تمام کند و اگر صحبتی به درازا کشید یا از موضوع خارج بود، آن را متوقف کند.

## ۲

### توصیف یک دوراهی (۵ دقیقه)

- ارائه‌دهنده درباره تنگنایی که در آن قرار گرفته است توضیح می‌دهد و سؤالی را برای گروه مطرح می‌کند. نحوه صورت‌بندی این سؤال، به علاوه کیفیت بازاندیشانه ارائه، در نحوه پیشبرد گفت‌وگو مهم است. اگر ارائه‌دهنده در ارتباط با مسئله نمونه‌ای از کار دانش‌آموز، خودش، یا نوع دیگری از کار را با خودش آورده باشد، در این مرحله زمانی به بررسی این نمونه یا نمونه‌ها، به صورت فردی و در سکوت، اختصاص داده می‌شود.

## ۱

### مراحل اجرای مشورت

۵

### پرسیدن سؤالات کاوندہ (۱۰ دقیقه)

● شرکت کنندگان سؤالاتی کاوندہ از ارائه دهنده می پرسند. این سؤالات قرار است به ارائه دهنده کمک کنند فکرهايش را درباره مسئله روشن تر کند یا گسترش دهد. هدف این مرحله آن است که کمک کند ارائه دهنده به درکی بهتر از سؤالی که مطرح کرده است برسد و بتواند تحلیلی عمیق تر از موقعیتی که به اشتراک گذاشته است داشته باشد. در اینجا ارائه دهنده ممکن است به بعضی سؤالات گروه پاسخ دهد، اما بحثی در مورد پاسخ او در نخواهد گرفت. در پایان این ده دقیقه، گرداننده جلسه از ارائه دهنده می خواهد سؤال اولیه را دوباره برای گروه طرح کند.

- موضوع به گروه بندی محدود نیست، سؤال من این است که چرا آن بچه در مدرسه طرد می شود؟

- آیا همیشه فاصله گرفتن از گروه بد است؟ ممکن است آدمها تصمیم بگیرند خودشان به تنهایی کار کنند. آیا لازم است همه کار گروهی را تمرین کنند؟

- باید ببینیم آیا دیدگاهمان «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» است؟ انتظار داریم بچهها برای پذیرفته شدن مثل دیگران بشوند و یا ویژگی هایشان را حفظ کنند؟ چه چیز در آن ویژگیها باعث طرد شدنشان می شود؟

- معلمها چطور احتمال دارد این طردشدگی را تقویت کنند؟

۶

### بحث درباره مسئله (۲۰-۱۵ دقیقه)

● پیش از شروع این قسمت، اگر سؤالات کاوندہ زیاد بودند، آنها را مرور می کنیم.

● شرکت کنندگان درباره مسئله بحث می کنند. سؤالات کاوندہ ای که در قسمت قبل مطرح شدند، می توانند به گفت و گو جهت بدهند. در طول این

بحث ممکن است اعضای گروه راهکارهایی پیشنهاد کنند؛ هر چند بیشتر اوقات تلاش بر این است که مسئله را به شکلی کامل تر و عینی تر تعریف کنند.

● ارائه دهنده در این مرحله صحبت نمی کند، اما به دقت گوش می دهد و یادداشت برمی دارد. البته لازم است گرداننده جلسه، هر چند وقت یکبار، از ارائه دهنده درباره جهت بحث بپرسد و مطمئن شود بحث در جهتی پیش می رود که برای ارائه دهنده مفید است.

۴

### بازتاب (۵ دقیقه)

● اعضای گروه دقایقی را به توصیف آنچه از ارائه دهنده شنیده اند، می گذرانند. اعضای گروه هر چیزی را که در خاطرشان مانده است، یک بار دیگر تکرار می کنند تا توجه همه اعضا به آن نکات جلب شود. اظهار نظرها در این مرحله الگوهایی از این دست خواهند داشت: «من می بینم که...» یا «شنیدم که ارائه دهنده گفت...».

در طول این مرحله، ارائه دهنده کاملاً ساکت است.  
- من شنیدم همیشه کسی هست که طرد می شود.  
- شاید با گروه بندی اجباری بچهها را صرفاً از یک آسیب آبی مصون می کنیم.

۳

### پرسیدن سؤالات شفاف ساز (۵ دقیقه)

● اعضای گروه سؤالاتی شفاف ساز از ارائه دهنده می پرسند. سؤالات شفاف ساز جوابهایی مختصر، مشخص و وابسته به واقعیتها دارند. ارائه دهنده جواب این سؤالات را به روشنی می داند، اما به هر دلیلی، در مورد آنها ایجاد شده است که در این مرحله برطرف می شوند.

● گرداننده جلسه باید مراقب باشد سؤالاتی که در این بخش مطرح می شوند دقیقاً از همین جنس باشند. اگر پرسشی ارائه دهنده را به فکر فروبرد، سؤال شفاف ساز نبوده است.

● خوب است گرداننده، در زمانی مناسب نزدیک به پایان این بخش، از شرکت کنندگان بخواهد با مکث کوتاهی مسئله را با خودشان مرور کنند که تا حد امکان چیز مهمی جا نماند.

- بچههایی که از آنها حرف می زنید پایه چندم هستند؟ چهارم.  
- آیا با تنها ماندن در گروه بندی کلاسی، بچهها واقعا برای آینده بیرون از مدرسه آماده می شوند؟ ام.. نمی دانم، راستش... [گرداننده در اینجا وارد گفت و گو می شود و توضیح می دهد که این سؤال پیچیده تر از آن است که سؤالی شفاف ساز باشد].

در فعالیت های گروهی کلاس، می توانیم گروه بندی را به بچهها واگذار کنیم یا خودمان بچهها را به گروه هایی تقسیم کنیم. در کلاس های من، همیشه در حالت اول حداقل یکی از دانش آموزان هست که تنها می ماند. البته که این موقعیت ناخوشایند است، اما بیشتر شبیه دنیای واقعی است. در حالت دوم، با انتخاب گروه توسط معلم، کسی تنها نمی ماند، ولی مگر نه آنکه در مدرسه باید بچهها را برای شرایط واقعی بیرون آماده کنیم؟ سؤال من این است که بالاخره درباره گروه بندی چه کار باید بکنم؟



## بازاندیشی معلم ارائه‌دهنده (۵ دقیقه)

• ارائه‌دهنده در مورد آنچه شنیده و آنچه حالا با توجه به شنیده‌های تازه‌اش فکر می‌کند، بازاندیشی خواهد کرد و با گروه درباره آن مواردی حرف می‌زند که به‌طور خاص در طول بحث توجهش را جلب کرده‌اند.



## بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

• گرداننده جلسه گفت‌وگوی کوتاه‌تری را درباره مشاهده گروه از فرایند مشورت هدایت می‌کند: این چارچوب چه کارکردی برایمان داشت؟ چه مواردی به خوبی کار کردند؟ چه چیزهایی را باید در دفعات بعدی تغییر دهیم؟

موضوعی که قبلاً در ذهنم بود و الان باز ذهنم را مشغول کرد، نتیجه‌محور بودن کلاس‌هاست و اینکه چطور نتیجه محور بودن باعث می‌شود بعضی دانش‌آموزان آسیب‌پذیرتر شوند. البته هنوز نمی‌دانم چطور می‌توانی بچه‌ها را به معلم‌های دیگر و به مدرسه نشان می‌دهم. سعی می‌کنم این یک تناقض بزرگ است. تقسیم کار در گروه جور است که می‌کنم. این خیلی به چشم می‌آید و فرد به فرد به سمت طرف شدن می‌رود. تفاوت تقسیم کار باید طوری باشد که این تفاوت مخفی شود؟ توانایی کمتر در آن فعالیت را بیوشاند؟ برای اینکه بچه‌ها با بچه دیگر رفتار محترمانه داشته باشند، باید فکر کنند او هم مثل خودشان است؟

- چرا ارائه‌دهنده در بحث شرکت نکند؟ شاید اگر در بحث بود، به دیدگاه او نزدیک‌تر می‌شدیم.
- ولی به این ترتیب، ایده‌ها بیشتر به چالش کشیده شدند.
- پرسیدن سؤالات کاونده، بدون آنکه همان موقع جوابی بدهیم، سؤالات را در ذهنم ته‌نشین کرد. باعث شد الان فکر کنم شاید من که به فرایندگرایی معتقدم هم همین نتیجه‌گرایی را در کلاس دنبال می‌کنم.

